



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْبِزْهُمْ هَاجِرًا جَمِيلًا﴾

ولادت حضرت کوثر

پس از اعتزال و هجران . . . پیامبر رحمت

﴿ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا \* إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ  
وَطَأً وَأَقْوَمُ قِيلًا \* إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا \* وَاذْكُرِ  
أَسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا \* رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا  
إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا \* وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ  
وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴾

سوره مدثره تا ۱۰.

وصفی از خاتم پیامبران امامی شیخ صدوق - ص 175 - 176

«...أُمًّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ، فَإِنَّهَا سَيِّدَةٌ

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ

وَالْآخِرِينَ».

کوثری از سورہ طہا بہ دنیا آمدی  
تا رسد اِنَّا بہ اعطینا بہ دنیا آمدی

تا یتیمی پدر را اندکی جبران کنی  
دختری و مادر با با بہ دنیا آمدی

تا که هجده سال هم اهل زمین درگت کنند  
پس به شکل حضرت زهرا به دنیا آمدی

بعد عمری که دلیل زندگی پوشیده بود  
آخرش ای علّت دنیا به دنیا آمدی

عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ

# سلامی بر حضرت صدیقه کبری

«يَا مُتَّحِنَةُ امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ  
لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءَ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ  
لِكُلِّ مَا آتَى بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآتَى بِهِ وَصِيَّهُ، فَإِنَّا  
نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّينَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ  
أَنفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ».

﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْبِزْهُمْ هَاجِرًا جَمِيلًا﴾

ولادت حضرت کوثرؑ

پس از اعتزال و هجران . . . پیامبر رحمت



﴿ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا \* إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ  
وَطَأً وَأَقْوَمُ قِيلًا \* إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا \* وَاذْكُرِ  
أَسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا \* رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا  
إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا \* وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ  
وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴾

سوره مدثره تا ۱۰.

## ترتیل کامل قرآن مقدمه القای قول ثقیل

در «سوره مزمل»، خدای حکیم به **حضرت**  
**مزمل** فرمان داده است تا در شبی خاص، حدود  
نیمی از شب را به ترتیل کامل قرآن و یا به  
ترتیل کامل قرآن کامل بپردازد زیرا که **قرار**  
بود در ادامه، «قول ثقیلی» را به او القا کند.

## تطابق ناشئة الليل با خاتم پیامبران

به منطق کتاب خدا، به دنبال «القای قول  
ثقیل»، «ناشئة الليل» ایجاد می شود و به امضای  
الهی، «ناشئة الليل»، مطابق ترین وجود با خاتم  
پیامبران و به تعبیری، نسخه دوم آن حضرت  
است.

## ذکر اسم رب در سبوحی طویل

بعد از معرفی اولیهُ «ناشئة اللیل»، زمانِ تعیین تکلیف خاتم پیامبران در ارتباط با این وجود مبارک و مقدس فرامی‌رسد. بر این اساس، پیامبر رحمت باید در ضمن «سبوحی طویل» در تمام عالم، به ذکر «اسم رب» و به گونه‌ای خاص، به ذکر «این اسم رب» بپردازد.

## بریدن از گروهی و اتکال به خدا

در ادامه، پیامبر رحمت باید از دیگرانی مشخص ببرد  
و به آنان نیز اجازه ندهد با او ارتباطی داشته باشند و  
به خدا اتکال کند؛ از دیگرانی که او را با  
زبانهایشان آزارهای بسیاری می دهند و به خدایی  
اتکال کند که رب مشرق و مغرب است.

# دستوری خاص برای جدایی پیامبر خدا

تا نقطه ﴿وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ...﴾ - یعنی تا نقطه «ذکر اسم رب» -

همه چیز در مسیری مشخص و تعریف شده به گونه‌ای قرار

دارد که اتصال و ارتباط میان اجزای این واقعه، به خوبی

مشاهده می‌شود و قابل تعریف است اما از این نقطه به بعد،

دستور جدایی به گونه‌ای صادر شده است که برای

مخاطبان، پرسش ساز می‌شود: ﴿... وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً \* ... \*

وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾.

## تکالیفی منحصر به فرد

وجود «واو عطف» در آغاز آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ  
وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾، این آیه را به آیه قبل و از آن  
طریق به آیات قبل ارتباط می دهد و **خطاب آیات قبل**  
**به صورت خاص و منحصر به فرد به خاتم پیامبران**  
**است** و تکالیف مشخص شده - هر چه باشد - غیر  
قابل تسری به امت آن حضرت است.

جسارت‌هایی که

پیامبر رحمت رو داداشه می‌شد

علی‌کم‌السلام



## صبر در برابر سخنان شائنان

بر اساس فرمان: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْبِطْهُمْ هَاجِرًا جَمِيلًا﴾، پیامبر رحمت وظیفه دارد تا در برابر سخنان افرادی صبر پیشه کند که در اطراف او حضور دارند و با سخنانشان آن حضرت را آزار می‌دهند او باید با هجرانی جمیل نیز از آنان دور شود. عنوان عمومی این افراد، «شائنان» است.

## شنائتهایی در آغاز دعوت

«سورهٔ مزمل» از سوره‌هایی است که در سال‌های آغازین دعوت علنی خاتم پیامبران، بر آن حضرت نازل شده است. بنا بر این، **شنائتهای مطرح شده در این آیه، به این مقطع از دعوت آن حضرت ارتباط می‌یابد.**

## فرمان برای علنی کردن دعوت

﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ \* إِنَّا  
كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ \* الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ  
فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ \* وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا  
يُقُولُونَ \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾

سوره حجر/ ۹۸.

## پیامبر خدا نمی تواند از مشرکان دور شود

در همین آیات و در همان آغاز دعوت، خدا به پیامبرش خبر داده است که سخنان زیادی به خاتم پیامبران گفته می شود که او را در فشار بسیار زیادی قرار می دهد و او با وجود قطعیت این جسارتها، وظیفه دارد تا که دعوتش را علنی کند و در این شرایط و با وجود این جسارتها، او نمی تواند از آنان دور شود و آنان را به حال خود رها کند.

## تسبیح به حمد رب و سجده

عبارت: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾ بعد از ﴿وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنْكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾، بیانگر تکلیف پیامبر

رحمت در این خصوص است و باید توجه داشت، **مادامی که در**

**دعوت خاتم پیامبران، چنین جسارت‌هایی وجود داشته باشد،**

**پیامبر رحمت باید با «تسبیح به حمد رب» و «سجده» با آنها**

**برخورد کند و برای همیشه، روش برخورد همین روش است.**

تسبیح به حمد رب در زمانهای مختلف برای آرامش پیامبر خدا

﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ

أَنَائِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ

سوره طه / ۱۳۰.

﴿تَرْضَى﴾

## دستور العمل برای تحمل نه برای هجران

این دستور العمل، دستور العمل خدای جهانیان به پیامبر رحمت اوست که برای مقابله با تمام شنائتهای زبانی و از جمله شنائت ابتری زبانی، صادر شده است. این دستور العمل، دستور العمل تحمل شنائتهاست و بر اساس صبر و تسبیح صبح و شام پیامبر رحمت پایه ریزی شده است.

فرمانی دیگر برای تسبیح به حمد رب و سجده

﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ

طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ \* وَمِنَ اللَّيْلِ

فَسَبِّحْهُ وَادْبَارَ السُّجُودِ﴾

سوره ق/ ۳۹ و ۴۰.



## ویژگی بعضی از جسارت کنندگان

این در حالی است که بعضی از جسارت کنندگان و یا بعضی از جسارتهای ویژه‌اند به گونه‌ای که پیامبر رحمت باید چشم در چشم و رودر رو با جسارت کنندگان روبرو شود و آنان را با آیات کتاب خدا متذکر سازد.

نیاز بعضی از شنائتها به تذکر و مذاکره

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ  
فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ

سوره ق/ ۴۵.

## فرمان هجران نیست

در این آیه، نه تنها به پیامبر رحمت فرمان هجران داده نشده بلکه بر اساس فرمان: ﴿فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ﴾ پیامبر رحمت باید در صورت بروز این جسارتها، به جسارت کنندگان و یا به گروه خاصی از آنان تذکر دهد و بلکه با آنان به مذاکره بپردازد.

## پیامبر خدا به این سخنان گوش هم می داده است

در بعضی از موارد و در مورد بعضی از شنائتها، پیامبر خدا به این سخنان گوش می داده و یا به این سخنان گوش می داده است

و برای نمونه، می توان به سخنان منافقان اشاره کرد: ﴿وَإِذَا

رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْتُمْ

خُشْبٌ مِّنْ سِنْدَةٍ يُحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ

فَأَحْذَرَهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَكَ بِسُلُوكٍ ﴿٤﴾ . سوره منافقون / ٤.

## دلالت این آیات در کنار هم

جنس جسارتهایی که در راه دعوت پیامبر رحمت به آن حضرت می شود، با جنس جسارتهایی که آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾ به آنها اشاره می کند، کاملاً متفاوت است و شانئان این جسارتهها نیز با یکدیگر متفاوت هستند اگرچه در همه این آیات، به زبانی بودن این جسارتهها، تصریح شده است.

حزن عظیم پیامبر خدا از بعضی جبارتہا

## دلداری پیامبر خدا در برابر این شنائتها

در آیاتی از کتاب خدا، خبر از حزنی داده شده است که از راه این جسارتها به قلب خاتم پیامبران وارد می‌شد. در این گروه از آیات، به پیامبر رحمت دلداری داده شده و سخن از تکلیف دیگری به میان نیامده است:

﴿فَلَا يَحْزِنُكَ قَوْلُهُمْ إِنََّّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾.

## جسارتهایی که ظاهر شده بود و جسارتهایی که ...

تعبیر: ﴿... إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ حکایت از آن دارد که این دسته از جسارتهای که پیامبر خدا را بسیار محزون می‌کرد، تمام جسارتهای این گروه از شائنان نبود. آنان جسارتهای بسیاری را به هر دلیل بر زبان جاری نمی‌کردند. شاید یکی از آنها، هیمنه و سلطه حضرت ابوطالب بود که قدرت این گونه جسارتهایی را از شائنان می‌گرفت.



سخنانی برای کوچک سازی پیامبر رحمت

﴿وَلَا يَحْزُنُّكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿﴾

سوره یونس / ۶۵.

طریقہ الکریم  
شناختی ویژه و  
شناختی خاص

## پرونده‌ای خاص برای شنائتی خاص

با نزول آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾، برای مقابله با شاننانِ منظور نظر این آیات، پرونده ویژه‌ای باز شده که با تمام پرونده‌های جسارت به خاتم پیامبران، متفاوت و بلکه بسیار متفاوت است.

## تفاوت در نوع شنائت

از آن جا که شانئان از میان افرادی بودند که در اطراف خاتم پیامبران و در محیط نزدیکِ زندگانی آن حضرت و با او زندگی می کردند، می توان عدّه زیادی را یافت که هم به این شنائتها و هم به شنائتهای منظور نظر آیات مطرح شده دیگر، اقدام می کردند. بنا بر این، باید تفاوت در برخورد را در نوع شنائت هم جستجو کرد.

یعنی باید پذیرفت که:

شنائت مذکور در آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ  
وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾، شنائت و جسارت ویژه‌ای  
است که راه مقابله با آن، دست کم تا مدت  
زمانی که آیه ﴿وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ  
قَلِيلًا﴾ مشخص می‌کند، هجران جمیل خاتم  
پیامبران است.

مروری بر جسارت‌های شانسان

## مروری بر شنائتهای قرآنی

برای شناخت این شنائت ویژه، یکی از راه‌های کم‌پیچ و خم، بررسیِ **تمام شنائتهای گزارش شده قرآنی** است که در تمام دوران دعوت خاتم پیامبران، متوجه آن حضرت شده است.

## شاعر، کاهن و مجنون

«شاعر»، «کاهن»، «مجنون» و ترکیب این جسارتها، شنائتهای شایعی بود که از روزهای اول دعوت، به خاتم پیامبران روا داشته می شد. این جسارتها البته اختصاصی به روزهای اول دعوت نداشت و تا آخرین روزها نیز شانئان با این شنائتها به آن حضرت، جسارت می کردند.



# یکی از شنائتهای مقطع آغازین دعوت

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

\* وَيَقُولُونَ أَيُّنَّا لَتَارِكُوا إِلَهِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ \* بَلْ

جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا

سوره صافات / ۳۸.

الْعَذَابِ الْأَلِيمِ﴾.

خدا و رسول به این شنائتها پاسخ می گفتند

دعوت مردم به گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، از اولین  
دعوت‌های خاتم پیامبران بود و بنا به تصویر این آیات،  
مشرکان در مواجهه با این دعوت، خاتم پیامبران را  
«شاعری دیوانه» می خواندند اما باید دانست که  
مبنا در مقابل این جسارتها هیچ‌گاه سکوت و صبر و  
هجرت نبود.

# پاسخ پیامبر به شنائتہای شاعری و مجنونی

﴿فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا

مَجْنُونٍ \* أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ

الْمُنُونِ \* قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ

الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿۳۱﴾

سورہ طور، ۲۹ تا ۳۱.

یعنی...

شنائت مطرح شده در آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ  
وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾، از نوع شنائت‌های شاعرو  
کاهن و مجنون نیست؛ شنائت‌هایی که در تمام  
عمر به خاتم پیامبران روا داشته می‌شد.

## شنائتهایی برای تمام پیامبران

این در حالی است که شنائتهای شاعری و مجنونی و کاهنی اختصاصی به خاتم پیامبران هم نداشت و به گزارش کتاب خدا، تمام پیامبران الهی با این شنائتها روبرو بوده‌اند و کتاب خدا در هیچ موردی، از وظیفه صبر و هجران پیامبران خدا در مقابل این شنائتها، گزارشی به دست نداده است.

شنائتی برای مقابله با تمام پیامبران

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ  
رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٥٢﴾

سورة ذاریات / ۵۲.

## شنائت تودیع پیامبر رحمت

یکی دیگر از شنائتها که تنها به دوره خاصی اختصاص داشت، شنائت «تودیع پیامبر رحمت توسط خدای جهانیان» است: ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾. بر مبنای این آیه، به دنبال رویداد واقعۀ مشخصی، شانئان سخت ادعا می کردند که رب پیامبر رحمت او را به شدت «تودیع» کرده است. صورت خارجی آن واقعۀ به گونه ای بود که شانئان به انتشار چنین جسارتی اقدام کرده بودند.

## شنائتی قبل از نزول سورۀ کوثر

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالضُّحَى \* وَاللَّيْلِ إِذَا  
سَجَى \* مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى \* وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ  
مِنَ الْأُولَى \* وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾.

سورۀ ضحیٰ ۱ تا ۵.



## مخاطب قرار دادن پیامبر، پاسخ به این شنائتها

در این آیات، خدای حکیم با روش بدیعی به این شنائتها پاسخ گفته است. این روش پاسخگویی البته با صبر و هجران جمیل خاتم پیامبران از شانئان، هیچ منافاتی ندارد و می‌تواند به صورت توأمان به انجام رسد. نباید فراموش شود که خطاب این آیات و تمام آیات این سوره به جز بسمله و قسمهای آغاز سوره، به خاتم پیامبران است.

## شنائتی که هرگز تکرار نشد

شنائت «وَدَّعَاكَ رَبُّكَ» شنائت ویژه و منحصر به فردی است که تنها در برهه کوتاهی از زندگانی خاتم پیامبران نسبت به او روا داشته می‌شد و **هرگز تکرار نیز نشده است**. همین آیات به خوبی نشان می‌دهد که این شنائت، به دنبال عملی از پیامبر رحمت صورت گرفته بود که با توجیه و تفسیر شانئان، این گونه تصویر می‌شد.

# شنائت ابتری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* إِنَّا  
أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ \* **إِن**  
**شَانِيكَ هُوَ الْأَبْتَرُ**

سوره كوثر ۱ تا ۳.

# دردناکترین شنائت

از این آیات و به ویژه از آیه: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ دانسته می شود که این شنائت، دردناکترین شنائتی است که به خاتم پیامبران روا داشته می شد و بر مبنای آیه: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ خدای حکیم سخت ترین عذاب دنیوی را نیز بر شانئان نازل می سازد. آغاز مجازات شانئان با این عذاب، البته زمانی بعد از ولادت فرزند خاتم پیامبران است.

برخورد با **شانسان ابتیری**، اللّٰهُمَّ  
قبل و بعد از **القامی قول** **یقین**

## تعبیری ویژه برای شنائت ابتری

تعبیر: «شَانِئَكَ» در ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾، تعبیر ویژه‌ای است که تنها در مورد «شانئان ابتری خاتم پیامبران» به کار رفته است. برای جسارت‌های دیگری که به آن حضرت روا داشته می‌شد، اولاً از تعبیر «شنائت» استفاده نشده و ثانیاً این «شنائتها» به آن حضرت اختصاص داده نشده است.

## برابری این شنائتها با عذاب ابتری

مهمتر آن که خدا نفس این «شنائتها» را با «عذاب ابتری» برابر دانسته، نه آن که آن را پایه‌ای برای عذابهای بعدی قرار داده است. این خود حکایت از آن دارد که **خدا برای «شنائت ابتری» پرونده‌ی خاصی را باز کرده است و «شانئان ابتری» را با عذابی ویژه و به صورتی خاص مورد عذاب قرار می‌دهد.**

ویژه بودنی که بعد از زمانی مشخص اضافه شده

البته آیاتی که مطرح شد، حکایت از آن دارد  
که این ویژه شدن، از یک زمان مشخص به  
«شنائت ابتری» اضافه شده و الا تا قبل از آن زمان  
مشخص، برخورد با این «شانئان» همانند برخورد  
با سایر «شانئان» بود.



## برخورد با شائنان ابتری بعد از ولادت الكوثر

این زمان مشخص در آیات «سوره مبارکه کوثر» مشخص شده است. برای این اساس، **زمان «ولادت الكوثر»** - که به نظر می‌رسد زمان ولادت فرزند خاتم پیامبران باشد - **زمان آغاز برخورد ویژه با «شائنان ابتری خاتم پیامبران»** است.

## برخورد با شائنان ابتری بعد از ولادت الکوثر

زمان «اعطای الکوثر»، زمان «القای قول ثقیل» است و صد البته که میان این زمان تا زمان «ولادت الکوثر» فاصله‌ای کوتاه وجود دارد. این زمان، «زمان حمل الکوثر» است و البته **زمان «اعطای الکوثر» قبل از عذاب شائنان ابتری است** و این مطلب از ماضی بودن فعل «أعطيناك» در ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ و از جمله اسمیه بودن ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾، به خوبی دانسته می‌شود.

## تفاوت برخورد در زمان حمل الکوثر

آیات مطرح شده، به خوبی نشان می‌دهد، در «زمان حمل الکوثر» با شانئان به صورت دیگری برخورد می‌شد که با قبل و بعد از این زمان متفاوت و بلکه کاملاً متفاوت است. به همین جهت، شنائنه‌های شانئان را در رابطه با حضرت «الکوثر» می‌توان به سه زمان تقسیم کرد: قبل و بعد از حمل و در زمان حمل.

## تقسیم برخوردهای متفاوت پیامبر با شأنان ابتری

- برخوردار با این شنائتها، قبل از القای قول ثقیل.
- برخوردار با شنائتها، ابتری از زمان القای قول  
ثقیل تا ولادت الکوثر.
- برخوردار با شنائت ابتری، بعد از ولادت الکوثر.

## صبر و هجران در مدتی کوتاه و مشخص

صبری که در آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْبِرُهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾ از آن سخن گفته شده، صبری بی انتها نیست و بلکه به منطق همین آیات، این صبر، تنها در مدتی کوتاه به خاتم پیامبران تکلیف شده است. این مهلت کوتاه نیز در آیه: ﴿وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا﴾ مشخص شده است.

هر نوع شنائت زبانی ، تکذیب خاتم پیامبران است

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا

يُكذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ

سوره انعام / ۳۳.

يَجْحَدُونَ﴾

## نتیجۀ مهم این گزاره

از آن جا که هر شنائت زبانی، تکذیب خاتم پیامبران است، مهلت دادن به مکذبان، مهلت دادن به شانئان زبانی نیز هست و برای این مبنا، پیامبر خدا باید به شانئان زبانی مدت کمی مهلت دهد.

## هجران جمیل از مکذبان اولو نعمة

پیوستگی این آیات و برهانهای بسیار دیگری دلالت بر این واقعیت دارد که «مکذبان اولو نعمة» ای که پیامبر رحمت باید آنان را به خدای جهانیان واگذار کند، همان افرادی هستند که پیامبر رحمت را با زبانشان آزار می دادند و پیامبر رحمت وظیفه یافته است که از آنان دوری کند. یعنی آنان همان «شانئان ابتری پیامبر خدا» هستند.



## شانئان مکذب، پسر دار نیز بودند

﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا \* وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا  
مَمْدُودًا \* وَبَنِينَ شُهُودًا \* وَمَهَدْتُ لَهُ تَمَهِيدًا \* ثُمَّ  
يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ \* كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِرَآئِنَا عَنِيدًا \*  
سَارَهُقُهُ صَعُودًا﴾.

سوره مدثر ۱۱ تا ۱۷.

در کنار همه امکانات، جرأت جسارت هم داشتند

دیده می شود که شانئان، در کنار تمام  
داراییها، دارای پسرانی چند نیز بودند. همین  
مطلب البته به آنان جرأت و جسارت بیشتری  
می داد تا به شنائت ابتری خاتم پیامبران اقدام  
کنند.

## صبر و هجران جمیل ، تکلیف پیامبر در زمان حمل

به منطق آیات این سوره، بعد از «القای قول ثقیل»، پیامبر رحمت باید در مواجهه با تمام «شانئان» و از جمله «شانئان ابتری»، صبرپیشه کند و با هجرانی جمیل از آنان دوری گزیند اما باید دانست که این تکلیف، تنها به همین دوره اختصاص دارد و شامل قبل از «القای قول ثقیل» و حتی بعد از آن نیز نمی شود.

تکلیف قبل از القای قول ثقیل نیز روشن است

به همین منطق، قبل از «القای قول ثقیل»، پیامبر رحمت باید با «شانئان ابتری»، به همان صورتی عمل کند که با سایر شانئان در تمام عمر مبارکش باید عمل کند؛ او باید به این شنائتها به روشهای مطرح شده در آیات، پاسخ نیز بگوید.

## دو نتیجه بسیار مهم

- آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْبِطْهُمْ هَبْرًا جَمِيلًا﴾  
تکلیف پیامبر رحمت را در رابطه با «شانئان ابتری»  
مشخص می‌کند.
- این تکلیف، تکلیف آن حضرت در فاصله میان  
«القای قول ثقیل» و ولادت فرزند آن حضرت است.

پایان محکمیت  
شانسان ابرہمی

## مهلت خدا بعد از مهلت خاتم پیامبران

بر مبنای فرمان صادره در آیه: ﴿وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي  
النَّعْمَةِ وَمَهَلُكُمْ قَلِيلًا﴾، پیامبر خدا باید به «مکذبان  
شانی» مهلت بدهد و ناگفته پیداست که خدا  
نیز با این مهلت دادن به آنان مهلت خواهد داد:  
﴿فَمَهَلِ الْكَافِرِينَ أَهْمَلُهُمْ رُؤِيدًا﴾. سوره طارق/ ۱۷.

یعنی...

در زمانی که پیامبر رحمت به این شانئانِ  
مکذب و این مکذبانِ شانی مهلت می دهد،  
خدا آنان را عذاب نخواهد کرد.



## پایان مهلت شائئان ابتری

این در حالی است که بر مبنای ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾  
عذاب شائئان ابتری پیامبر رحمت بعد از «ولادت الکوثر»  
قطعی است و این به آن مفهوم است که:

**دوره مهلت شائئان، با «ولادت الکوثر» به پایان می‌رسد.**

## تکلیفی روشن در هر سه زمان

آغاز مهلتِ شائئان، «القای قول ثقیل» است و پایان آن، «ولادت کوثر» است. بنا بر این، باید این نکته را نیز پذیرفت که:

دورهٔ حمل الکوثر، زمانی است که خدای حکیم به شائئان مهلت داده و در همین دوره است که خاتم پیامبران باید صبر کند و در همین دوره است که آن حضرت باید از شائئان با هجرانی جمیل دوری کند.

بہترین انحصار کے از رُحز

# فرمانی برای هجران از رُجز

در «سوره مدثر» - که در همین ایام و در همین ارتباط نازل شده - پس از خطاب به حضرت مدثر برای انجام وظایفی چند، فرمانی برای هجران از «رُجز» و نه از «رِجز» و نه از «رجس»، صادر شده که مانند چند فرمان قبلی، فرمانی است که به صورت انحصاری و فقط برای هجران از «رُجز»، صادر شده است:

﴿وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ﴾.

## رُجْزَنَه رِجْزَوْنَه رِجْس

در حالی که در آیات بسیاری تعبیر «رِجْز» و نیز در آیات بسیاری و از جمله در «آیة تطهیر»، تعبیر «رِجْس» به کار رفته، در این آیه تعبیر «رُجْز» به کار رفته و غالب یا همه مفسران و بعضی از محدثان و به خصوص بخاری، اصرارشان بر یگانگی این دو مفهوم و بلکه اصرارشان بر کاربرد «رِجْز» به جای «رُجْز» در این آیه است.

## هجرانی از رُجز

با وجود حصری که در این آیه وجود دارد، هر هجرانی در این ایام توسط خاتم پیامبران و با فاعلیت او صورت گرفته باشد، حتماً «هجران از رُجز» است و از این هدایت، هم می‌توان با مفهوم رجز بیشتر آشنا شد و هم صفت افرادی را شناخت که پیامبر رحمت باید از آنان هجران داشته باشد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
هجیران از شانسان خاص خاتم پیامبران

## شاننآن خاص زبانی پیامبر خدا

اکنون و با استفاده از آیه: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ  
وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا \* وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ  
وَمَهْلَهُمْ قَلِيلًا﴾ دانسته می‌شود که «رُجْز» به

«شاننآن زبانی پیامبر خدا» و به عبارتی دیگر،

«تکذیب کنندگان صاحب نعمت» اطلاق می‌شود.



## و در نهایت، باید پذیرفت که:

با صدور فرمان ﴿وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ﴾، برخلاف القاهای بخاری، پیامبر رحمت نباید از بتها فاصله بگیرد که آن حضرت و پدران او، هیچ روزی هیچ آلودگی به این رجس نداشتند بلکه باید از «بت پرستان» و امثال بخاری و از افرادی فاصله بگیرد که با شنائتهای زبانی و به ویژه «شنائت ابتری» به آزار آن حضرت اقدام می‌کردند.

ہجراتی بہ صورت اعتراف

التَّائِبِينَ

## هجران به صورت اعتزال

آیاتی از کتاب خدا، روشن می‌سازد که

«هجران» پیامبر رحمت و بلکه «هجران

جمیل» آن حضرت، باید به صورت «اعتزال»

انجام شود و یا به این صورت، انجام می‌شود.

## هجران حضرت ابراهيم به درخواست مشرکان

﴿ قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَنْ إِلَهِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ  
وَأَهْجُرَنِي **مَلِيًّا** \* قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُكَ رَبِّي إِنَّهُ  
كَانَ بِي حَفِيًّا \* وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي  
عَسَىٰ الْأُكُوفُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا \* فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴾

سورہ مریم ۴۶ تا ۴۹.

## اعتزال و نتایج آن براساس این آیات

- عبارت: ﴿وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ بعد از ﴿وَأَهْجُرْني مَلِيًّا﴾، خبر از آن می دهد که: «هجران» از طریق «اعتزال» به انجام می رسد.

- اعتزال از مشرکان کافی نیست، اعتزال باید از مشرکان و از آن چیزهایی صورت بگیرد که مشرکان به عبادت آنها می پرداختند.

## اعتزال و نتایج آن براساس این آیات

- اعتزال از بتها برخلاف خیالها و نظرهای افرادی مانند بخاری، به مفهوم آلودگی به بت پرستی نیست که به صورت ضمنی به تبلیغ این موضوع نیز پرداخته‌اند.
- اعتزال تنها دوری از مشرکان و بت‌های آنان نیست بلکه دراعتزال، باید به عبادت خدا نیز پرداخته شود.

## اعتزال و نتایج آن براساس این آیات

- خدا برای این گونه اعتزالی پادشاهای بسیار عظیمی را در دنیا و آخرت قرار داده است.
- یکی از پادشاهای مهم اعتزال حضرت ابراهیم، فرزند دار شدن آن حضرت است.

رابطه اعتراض و فرزند دار شدن



اعتزال، مقدمه‌ای برای فرزند دار شدن در شرایطی خاص

آیه شریفه: ﴿فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا﴾، میان «اعتزال» و بچه ونوه دار شدن، رابطه‌ای عجیب نوشته است. بر اساس این آیه و این رابطه: **اعتزال حضرت ابراهیم، مقدمه‌ای برای فرزند دار شدن آن حضرت بود.**

## ارتباط ، هم زمانی نیست ، بسیار فراتر است

ممکن است **ادعا شود**، این آیه تنها زمان فرزند دار شدنِ حضرت ابراهیم را مشخص می‌کند و خبر از آن می‌دهد که این زمان، منطبق بر همان زمانی بود که آن حضرت به «اعتزال» پرداخته بود و هیچ رابطه‌ی دیگری را میان این دو واقعه، تعریف نمی‌کند اما توجه به چند نکته خبر از آن می‌دهد که **ارتباط میان این دو واقعه، بیش از یک هم زمانی ساده است.**

## اعطای فرزند در زمان پیری و نازایی

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا  
قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ \* فَلَمَّا  
رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ  
خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ \*

## اعطای فرزند در زمان پیری و نازایی

وَأَمْرَاتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ  
إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ \* قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا  
بِعَلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ \* قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ  
أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ

مَجِيدٌ ﴿٧٣﴾  
سورة هود/ ٦٩ تا ٧٣.

# آغاز دعوت در زمان جوانی حضرت ابراهیم

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾

\* قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ

يَشْهَدُونَ ﴿﴾

سوره انبیاء / ۶۰ و ۶۱.

## اعطای فرزند بعد از اعتزال

مادر حضرت اسحاق از همان جوانی در زوجیت حضرت ابراهیم قرار داشت اما خدا به آن حضرت از این زوجه فرزندی نداده بود و این فرزند را در زمانی به آنان داد که آن دو، باورش را هم نمی‌کردند و این زمان بعد از «اعتزال» و یا در زمان این «اعتزال» بود.

## رابطه‌ای شبیه علت و معلولی

عبارت: ﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ﴾ خبر از آن می‌دهد که این فرزند را خدا و به طرز عجیبی به حضرت ابراهیم داده است و صد البته که آنان خودشان و به طریق عادی، در این زمان فرزند دار نشدند که بتوان این امر را واقعه‌ای طبیعی دانست و تنها به هم‌زمانی این واقعه و «اعتزال»، حکم کرد.

ارتباطی عمیق میان اعتزال و فرزند دار شدن

براین مبنا، این موضوع را باید نشانهٔ ارتباط  
عمیقی دانست که میان «اعتزال حضرت  
ابراهیم» و فرزند دار شدن آن حضرت برقرار  
بوده است.



## در سه زمان نه در یک زمان

نکته مهم در این خصوص این است که **حضرت**  
«**یعقوب**» **فرزند حضرت «اسحاق» و نوه حضرت «ابراهیم»**  
است، نه **فرزند بی واسطه آن حضرت** و صد البته که خدا  
حضرت «**اسحاق**» و حضرت «**یعقوب**» را یک جا به حضرت  
«**ابراهیم**» نداده تا بر اساس این آیات، تنها به هم زمانی  
«**اعتزال**» و **فرزند دار شدن حضرت ابراهیم حکم شود.**

## اعتزال، مقدمه لازم هبه فرزند و نوه

در پایان این آیات، به نکته مهم دیگری اشاره شده که نشان می‌دهد، «اعتزال حضرت ابراهیم»، مقدمه لازم «هبه فرزند» به آن حضرت است. بر اساس عبارت: ﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا﴾، خدا هم فرزند و هم نوه آن حضرت را «نبی» قرار داد ضمن آن که خود آن حضرت نیز از قبل، به جعل الهی، پیراهن نبوت را برتن داشت.

پیامبر قرار دادن فرزندان، برهانی دیگر

ای ابراهیم! به خاطر آن که تو از بت  
پرستان و بتها هجران گزیدی، علاوه بر آن  
که ما به تو فرزندان چند دادیم، آنان را  
پیامبر نیز قرار داده ایم.

## «لَمَّا» برای ذکر هم زمانی نیست

این همه در حالی است که «لَمَّا» در زبان عربی برای هم زمانی به کار نمی‌رود و این قلمهای لغت نگاران و مفسران است که به این واژه چنین مفهومی را اختصاص داده است به گونه‌ای که مفهوم دیگری از آن به ذهنها خطور نمی‌کند. «لَمَّا» خبر از ایجاد یک انتقال و یک دگرگونی می‌دهد ضمن آن که علت این انتقال و دگرگونی را نیز ذکر می‌کند.

«لَمَّا» برای ذکر علت عذاب قوم نوح

﴿وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ﴾

وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ

عَذَابًا أَلِيمًا﴾.

سوره فرقان / ۳۷.

اعتزال، مقدمه‌ای برای فرزند دار شدن در شرایطی خاص

بر این مبنا، «لَمَّا» در آیه شریفه: ﴿فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا  
يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا

جَعَلْنَا نَبِيًِّّا﴾، نیز برای ذکر علت است و یعنی این

آیه، رابطه علت و معلولی میان «اعتزال» و بچه و نوه

دار شدن حضرت ابراهیم نوشته است.

نتائج اعتراف اصحاب كهف

التقدم

# اعتزال اصحاب كهف

این نتیجه در «آیه اصحاب كهف» به صورتی مطرح شده است که مطلب مطرح شده در مورد «لَمَّا» را تأیید می‌کند. در این آیه، به روشی دیگر دو نتیجه برای «اعتزال» اصحاب كهف ذکر شده که مشابه نتایجی است که برای «اعتزال» حضرت ابراهیم ذکر شده است.



پناه بردن به غار، تمام یا بخشی از اعتزال

﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ فَأَوُوا إِلَيَّ

الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ

لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا﴾. سورة كهف / ١٦.

## دو نتیجه قطعی اعتزال اصحاب کهف

در آیه: ﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ...﴾، کل عبارت: ﴿فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرفَقًا﴾ جانشین جزای شرط است و برای این مبنا، با دو عبارت: ﴿يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾ و ﴿وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرفَقًا﴾، معامله جزای شرط می شود. برای این اساس، این دو نتیجه را باید دو نتیجه قطعی «اعتزال اصحاب کهف» دانست.

## دو نتیجه قطعی اعتزال اصحاب کهف

- آنان در معرض رحمت خدا قرار گرفتند:  
﴿يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾.
- خدا برای آنان گشایش را در امری ایجاد کرد که برای آنان مشکل آفرین شده بود:  
﴿وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا﴾.

## همین دو نتیجه در مورد حضرت ابراهیم

در ماجرای «اعتزال حضرت ابراهیم» حصول این دو نتیجه،

از دو آیه: ﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ

هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ \* قَالُوا اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةً لِلَّهِ

وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾ به خوبی

دریافت می شود.

مروری دیگر:

﴿وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ﴾

## معرفی رُجز برای باری دیگر

از فرمان **﴿وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ﴾** و نیز فرمان موضوع

بحث از «سوره مزمل»، دانسته شد که:

**«رُجز»**، شانئان خاتم پیامبران و در مرحله

بعد، مکذبان ویژه آن حضرت هستند.

از آن چه گذشت، دانسته می شود که:

به دنبال امثال فرمان: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ  
وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا \* وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ  
وَمَهْلَهُمْ قَلِيلًا﴾، هم رحمت خاص خدا به پیامبر  
رحمت و زوجه او می بارد و هم در کار آن حضرت و  
زوجه اش، گشایشی عظیم حاصل می شود.

## بشارت برای ولادت حضرت کوثر

گشایش ایجاد شده، موضوع بی فرزندی آن حضرت را

نیز شامل خواهد شد و بر این مبنا، آیه: ﴿وَالرُّجْزَ

فَاهْجُرْ﴾ را باید آیه‌ای دانست که **به خاتم**

پیامبران بشارت می‌دهد که خدا فرزندی را به او

اعطا خواهد کرد.



یعنی باید دانست که ...

دستور ﴿وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ﴾، دستوری است که

مقدمه لازم برای فرزند دار شدن خاتم

پیامبران و بلکه برای فرزند و نوه دار شدن آن

حضرت به شمار می آید.

سه نکته مهم

علی‌کم‌السلام

رابطه اعتراض و فرزند دار شدن

اعطای حضرت یعقوب به خود حضرت ابراهیم

خدای حکیم با عبارت: ﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ  
وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا﴾ به این نکته تصریح

کرده که **حضرت یعقوب را به خود حضرت  
ابراهیم هبه کرده است، نه به حضرت اسحاق.**

یعنی...

فرزندان حضرت صدیقۀ مطهره، فرزندانِ هستند  
که خدا آنان را به خاتم پیامبران اعطا کرده  
است و یعنی با این برهان نیز می توان و بلکه باید  
آنان را با عبارتِ «يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ» مورد خطاب  
قرار داد.

﴿إِنَّا أَنْعَمْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾

اعطای کوثر، اعطای فرزندان حضرت  
زهرای مرضیه به پیامبر رحمت را نیز شامل  
می‌شود. برای این مبنا، **بی نهایت کوثر در دوازده**  
**نیز ضرب می‌شود.**

## همه پیامبر بودند

فرزندان هبه شده به حضرت ابراهیم همگی از

عهد الهی برخوردار بودند: ﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ

وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا﴾ و این عهد الهی برای

فرزندان پیامبر رحمت نیز وجود دارد.

## امامت بعضی از فرزندان حضرت ابراهیم

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ  
إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا  
يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾

سوره بقره/ ۱۲۴.

پیامبر رحمت، خاتم پیامبران است

﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ

وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ

اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴾ .  
سوره احزاب / ۴۰ .



## امامت فرزندان حضرت کوثر

فرزندان پیامبر رحمت در عین آن که از  
«عهد الهی» برخوردار هستند، پیامبر نیستند  
بلکه امام و وصی پیامبر هستند که سلام  
و صلوات خدا بر یکایک آنان باد

هر که با زهراست احساس سخاوت می کند  
« موراین وادی سلیمان را ضیافت می کند »  
حضرت جبریل یک جلوه است ، ذاتا وحی را....  
....فاطمه تا قلب پیغمبر هدایت می کند  
فرشیان... نه عرشیان هم روبه او می ایستند  
در میان خانه اش وقتی عبادت می کند

هرچه مولا مدح خود را کرد مدح فاطمه است

آینه از شان همتایش حکایت می کند

روز محشر که بیاید کار دست فاطمه است

مرتضی می ایستد، زهرا قیامت می کند

رشته ای از چادرش هم دست ما باشد بس است

رشته ای از چادرش؟! ...آری... شفاعت می کند

علی اکبر لطیفیان

فاطمه امر خداوند است و مامورش علیست

پس امام اول عالم امامش فاطمه است

مصطفی؟ یا مرتضی؟ یا فاطمه؟ یا هرسه تا؟

مانده ام از این سه تا اصلا کدامش فاطمه است

رشته های چادرش بازار گرمی خداست

صبح محشر هم دلیل ازدحامش فاطمه است

عقلها راهی ندارند و زبانها الکنند

در مقام اهل بیتی که تمامش فاطمه است

علی اکبر لطیفیان